

نوروزی بر سر خوان



دکتر علی بلوکباشی



بنابر روایات تاریخی، در دوره‌ی ساسانیان، در پگاه روز نوروز مردی با خوانی نقره به مجلس نوروزی پادشاه که بر آن از گندم و جو و باقلا و ماش و کنجد و برنج هر یک هفت خوشه و هفت دانه، و نیز پاره‌ی شکر و دینار و درهم درست گذاشته بودند، وارد می‌شد و آن را پیشاپیش پادشاه می‌گذاشت.

امروزه نیز ایرانیان سفره‌ی نوروزی را، بنابر مقتضیات اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی بوم - زیستگاه‌های خود با هفت نوع خوراکی می‌آرایند. این هفت خوراکی در بیش‌تر جاها معمولاً از خوراکی‌هایی هستند که نام‌شان با حرف «س» شروع می‌شوند، مانند سیب سرخ، سنجد، سمنو، سرکه، سماق، سنبل، سیر یا سیاه‌دانه. در برخی جاها نیز، مانند روستاهایی از دیار فارس، نام خوراکی‌ها با حرف «م» و در روستاهایی از خراسان هم با حرف «ش» شروع می‌شود.

برخی «سین» را کوتاه‌شده‌ی واژه‌ی سینی می‌دانند و می‌گویند در زمان قدیم مائده‌های تازه و خشک زمینی را در هفت سینی یا

□ نوروز زمان نو گشتن سال و زمان باززایی و تجدید حیات طبیعت و آغاز رستاخیز مردگان و زندگان در تکرار نوبتی آفرینش، و آغاز یک زندگی نوین دیگر است.

ابوریحان بیرونی، نوروز را روز «نوزایی آفرینش» و شمس‌الدین محمد دمشقی آن را روز «آفرینش نور» می‌دانند. روزی که مردم در آن به «آراسته و نو گردانیدن آن‌چه که گذشت زمان کهنه کرده» می‌پردازند.

با نوروز همه‌چیز تجدید و نو می‌شوند. زندگی در طبیعت و پدیده‌های طبیعی، و زندگی در شکل اجتماعی جماعات مردم رنگ و جلایی نو می‌گیرد. سال با زمستان افسرده‌اش دوباره در بهاری سبز می‌رویید و می‌شکوفد. گیاهان رویش دوباره آغاز می‌کنند. حیوانات حیات جنسی خود را برای زایشی دیگر از سر می‌گیرند. روان مردگان از جهان مردگان به جهان زندگان بازمی‌گردند و با اعضای خانواده خویشاوندان خود روزها و شبانی را به‌سر می‌برند. زندگان نیز همراه با نوشدگی سال خروج می‌کنند و به ساحت دیگر از حیات طبیعی و اجتماعی گام می‌نهند.

آمدن نوروز و نوشدگی سال، و تجدید حیات رستنی‌ها و رویش دوباره‌ی گیاهان و نباتات را مردم با راه‌انداختن پیک‌های نوروزی و کاشتن و رویاندن دانه‌های گیاهی و آتش‌زدن بوته و خار و شاخه‌های خشک و مرده‌ی درختان در شب سوری، برگزاری مراسم یادآوری مردگان و استقبال از فرورهای ایزدان و درگذشتگان خود و روشن کردن آتش و چراغ و فانوس بر سر بام‌ها و گورها و در گذرگاه‌ها و گستردن خوان یا سفره‌ی نوروزی و فراخوان فرورها و روان مردگان به سر سفره‌ی ضیافت نوروزی آشکار می‌کنند.

در این آیین‌ها که از چند روز پیش از گردش سال تا روز سیزده فروردین ادامه می‌یابد، مردم همراه طبیعت، گذاری رمزگونه از یک مرحله‌ی حیات به مرحله‌ی دیگر دارند و در یک استتالهی درونی و بیرونی در ساحتی معنوی و قدسیانه باز زاده می‌شوند.

گستردن خوان نوروزی به هنگام گشتن سال کهنه به نو و آراستن خوان با هفت‌جور خوراکی‌های گوناگون از آیین‌های کهن ایرانیان در آغاز فروردین و نخستین روز فصل بهار بوده است.



هفت خوان مسین می‌چیدند و در نوروز به حضور شاهان می‌بردند. هر یک از این مائده‌های هفت‌گانه نمونه‌ی یکی از محصولات بود که در سرزمین ایران به‌دست می‌آمد.

روی سفره‌ی نوروزی افزون بر هفت خوراکی، آینه، لاله، شمع، قرآن (در خوان مسلمانان) و اوستا (در خوان زرتشتیان)، جامی پُر از آب - که در آن معمولاً چند برگ سبز و شمشاد و نارنج می‌اندازند - یک جام با ماهی‌های قرمز، نرگس و سنبل، چند تخم‌مرغ پخته‌ی رنگین و نقاشی‌شده، نان سنگک یا تافتون، یک بشقاب سبزی‌پلو با کوکو و ماهی، سکه‌ی نقره که معمولاً سکه‌ی صاحب‌زمان است، اسفند رنگ‌شده، و شیر و ماست و پنیر و سبزی‌خوردن و شیرینی می‌گذارند.



آرایه‌های خوان نوروزی و هفت‌گونه خوراکی ویژه‌ی آن، هر یک در فرهنگ ایران معنا و مفهوم نمادی دارد و رمز و نشانه‌ی بینش‌ها و برداشت‌های مردم از جهان و کائنات است. مثلاً، آینه مظهر پاکی و یک‌رنگی و بازتابنده‌ی هستی ازلی و بخت و سرنوشت؛ شمع نشانه‌ی فروزش و روشنایی و زداینده‌ی تاریکی و سیاهی؛ تخم‌مرغ نماد آفرینش و زاینده‌ی ماهی و شمشاد مظهر ناهید، فرشته‌ی آب و زندگی؛ سبزه نشانه‌ی رویش و حیات؛ انار مظهر باروری و فراوانی؛

نان نماد برکت و فزونی و اسپند و سیر رماننده‌ی هوام و ارواح زیانکار و...

رسم گسترده‌ی سفره در نوروز و چیدن هفت نوع خوراکی بر روی آن، بازمانده‌ی رسمی کهن است و شماره‌ی هفت نیز تمثیلی است از هفت ایزد دین مزدیسنا. زرتشتیان ایران خوان نوروزی را در سه سینی، هر یک حاوی هفت‌گونه شیرینی، و میوه‌ی تازه و خشک به نشانه‌ی هفت فرشته‌ی امشاسپند می‌آرایند و باور دارند که فرورهای این فرشتگان در فروردگان (ده روزی که از ۲۶ اسفند شروع می‌شود و تا پنجم فروردین ادامه دارد)، از جهان مینوی به جهان خاکی فرود می‌آیند و بر سر خوان نوروزی با آنان می‌نشینند.

این دوره را مردم با یاد مردگان خود در شب سال نو آغاز می‌کنند و رستاخیز مردگان و بازگشت روان آن‌ها را از جهان مردگان به جهان خاکی و پیوستن به زندگان، و با هم زیستن را جشن می‌گیرند. روشن کردن فانوس و چراغ و افروختن آتش بر سر بام‌ها و بر گور مردگان، افروختن چراغ‌های خانه به هنگام آفتاب‌پر، و روشن نگه‌داشتن آن‌ها تا پگاه روز اول سال نو، نشانه‌هایی از رستاخیز مردگان و جشن استقبال از درگذشتگان است.

گسترده‌ی «خوان نوروزی» در نوروز و در آغاز دوره‌ی «جداگرینی» (Segregation) یا «گذار» (Transition)، نماد و مظهری از «مناسک گذر» (The rites of passage) است، یعنی زمانی که مردم دوره‌ی انتقال روحانی از سال کهنه به سال نو را در خانه‌های خود و در میان اعضای خانواده‌های خود و به دید و بازدیدهای یک‌دیگر می‌گذرانند.

خوان نوروزی تمام اعضای خانواده را از دور و نزدیک به خانه فرا می‌خواند و بر سر خوان می‌نشانند. به عقیده‌ی ایرانیان زرتشتی، امشاسپندان (هفت فرشته‌ی مقرب اهورامزدا) نیز که در فروردگان از جهان مینوی به زمین فرود می‌آیند، بر سر خوان نوروزی در کنار دیگران حضور خواهند یافت.

گفتنی‌ست که تمام مردم جامعه‌هایی که به رستاخیز و معاد جسمانی اعتقاد دارند، اصل رستاخیز و بازگشت مردگان به عالم خاکی را در آغاز دوره‌ی نوینی از زمان یا نوشدگی سال و نوروز پذیرفته، و به آن باور دارند.

در دوره‌ی گذار مردم به بازی‌ها و نمایش‌هایی خاص می‌پردازند که همه بیان‌کننده‌ی راز و رمز دگرگونگی طبیعت و شکل معمول زندگی و نشان‌دهنده‌ی دوره‌ی فروپاشی زمان و از میان رفتن کهنگی و فرسودگی طبیعت، و دوره‌ی بازآفرینی و پیدایی قدرت و نوشدگی نیروی طبیعت هستند. بازی‌های نمایشی، مانند کشتی پهلوانی، جنگ ورز او و اسب‌دوانی و نمایش‌ها و مسابقه‌های دیگر از جمله نمایش‌هایی هستند که اسطوره‌ی ستیز میان مرگ و حیات، ناتوانی و توانایی، ایستایی و پویایی را نشان می‌دهند و مرگ سال کهنه و آمدن سال نو را می‌زاینند که با حیات تازه‌ی طبیعت و نوزایی آفرینش و پیروزی نیروی اهورایی بر نیروی اهریمنی و فروپاشی تباهی و فرسودگی همراه می‌باشند.

کوچ بنفشه‌ها



دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
استاد دانشگاه تهران

در روزهای آخر اسفند،
کوچ بنفشه‌های مهاجر،
زیباست.

در نیمروز روشن اسفند،
وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد،
در اطلس شمیم بهاران،
با خاک و ریشه
- میهن سپارشان -

در جعبه‌های کوچک چوبی،
در گوشه‌ی خیابان، می‌آورند:

جوی هزار زمزمه در من،
می‌جوشد:

ای کاش...

ای کاش آدمی وطنش را

مثل بنفشه‌ها

(در جعبه‌های خاک)

یک روز می‌توانست،

همراه خویشتن ببرد هر کجا که خواست،

در روشنای باران،

در آفتاب پاک.

از این رو، خوان نوروزی را در واقع می‌توان سفره‌ی ضیافتی روحانی انگاشت که ایرانیان از دیرباز به قصد فراخوانی و پذیرایی فروروزها و روان ایزدان و درگذشتگان در آغاز سال نو و در ایام فروردگان می‌گسترده‌اند. خوان نوروزی را نیز می‌توان با **خوان شب یلدا** و سفره‌ی نذری سنجید و به نقش و کارکرد یکسان آن‌ها پی برد.

شب یلدا، شب زادروز ایزدمهر یا میترا و میلاد دوباره‌ی خورشید - نماد مهر - از نهانگاه تاریکی، بلندترین شب‌های سال است. در این شب که آخرین شب پاییز و شب نخستین روز از ماه دی - ماه موسوم به آفریدگار جهان - و آغاز چله‌ی بزرگ زمستان و آغاز دور و سال کیهانی دیگری‌ست، ایرانیان به سنت کهن خوان یا سفره‌ی میز، سفره‌ی آراسته با مجموعه‌ی خوراکی‌ها و تنقلات تابستانی و پاییزی، بویژه انار و هندوانه و آجیل، برای تقدیم به ایزد مهر و پذیرایی از او می‌گسترند.

سفره‌های نذری را ایرانیان زرتشتی و مسلمان به‌نام مقدسان و ارواح مطهر آنان می‌اندازند و آن را با انواع خوراکی‌های مخصوص می‌آرایند. مردم با گستردن سفره‌های نذری، ضیافتی مذهبی برای فراخوانی فرورهای قدیسان ترتیب می‌دهند تا با پذیرش این سفره‌های میهمانی، آن‌ها را در زندگی یاری کنند و مراد آرزوهایشان را برآورده سازند.

خوان‌ها یا سفره‌های نوروزی، شب یلدا و نذرانه همه یک واقعیت اجتماعی - فرهنگی و بخشی از حیات دینی و زندگی عُلوی - معنوی ایرانیان را بیان می‌کنند. سفره‌ها در این مهمانی‌های قدسیانه کارکردی روان‌اجتماعی در انسجام نظام زندگی روزمره‌ی مردم دارند و پاسخگوی خواست‌ها و انتظارات عاطفی و معنوی و مادی آن‌ها هستند.

خوان نوروزی که عنوان گفتار نیز به آن اختصاص دارد، نقش و کارکردی بس مهم در گردآوردن افراد خانواده و روان درگذشتگان آن‌ها به دور هم، و زدودن گرد دوری و نفاق و کدورت میان اعضای خانواده و ایجاد صلح و دوستی و همبستگی میان آن‌ها دارد. ایرانیان هر جا که باشند، در سفر و حضر و در راه دور و نزدیک، می‌کوشند تا خود را پیش از تحویل سال به خانه برسانند و با پدر و مادر و خواهران و برادران و همسر و فرزندان بر سر سفره‌ی نوروزی، این مهمانی بزرگ روحانی، حضور داشته باشند. چون باور دارند که اگر کسی در سر سال تحویل در خانه و بر سر سفره نباشد، تا آخر سال از خانه و خانواده و یاری ایزدان و فرورها دور و آواره خواهد بود. به‌طور کلی، خوان نوروزی نقش مهم و برجسته‌ی در ایجاد وحدت و وفاق و همبستگی از سویی میان اعضای خانواده و از سوی دیگر میان آن‌ها و روان درگذشتگان ایفا می‌کند.

تهران - ۱۳۸۳/۱۱/۲۳